

Comparing the Effectiveness of Parenting Management Training and Family Training on Improving Negative Emotions and Destructive Behaviors of the Third-Grade Female Students

Monazami M^{1,*}, Beyrami M^{2,3}, Hashemi Nosratabad T^{2,3}, Taklavi S⁴

Author Address

1. PhD Student in Psychology, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran;

2. Professor, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran;

3. Professor, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran;

4. Assistant Professor, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

*Corresponding Author's Email: M.Beyrami@tabrizu.ac.ir

Received: 2022 August 16; Accepted: 2022 October 6

Abstract

Background & Objectives: According to previous research, several psychological interventions are effective in improving negative emotions and destructive behaviors of students. In this regard, this study aimed to compare the effectiveness of parenting management training and family training in improving the negative emotions and destructive behaviors of students. The review of the literature shows that it is important and necessary to investigate the effectiveness of these pieces of training on other components that have received less attention, because the emotion regulation component is one of the important but neglected psychological behaviors in this field. Therefore, by carrying out this research, besides helping develop the theoretical foundations of this component and determining the effectiveness of parenting management education and school-based family education, we will try to emphasize the need to expand this type of education among schools, create a practical culture and emphasize its implementation.

Methods: The research method was quasi-experimental with a pretest-posttest design with two experimental groups and one control group. The statistical population consisted of all mothers and their female children studying in the third grade of elementary school and having behavioral problems in the academic year 2020-2021 in Tabriz City, Iran. A total of 60 qualified and volunteer students were included in the study as a research sample using the available sampling method and were assigned to two intervention groups of parenting management training and family training and a control group (three groups of 20 people each) by a simple random method. The inclusion criteria were as follows: obtaining a score of more than 250 on the Achievement Emotions Questionnaire (Pekrun et al., 2002) by the students, obtaining a score of more than 60 on the Teacher Observation of Classroom Adaptation Scale-Revised (TOCA-R) (Christine et al., 2009), the age range of 7-11 years for students, mother's level of education (at least guidance school), and consent of the subjects to participate in the research. The exclusion criteria were the absence of parents for more than two sessions in the training sessions, receiving any other type of training by the mothers during the intervention period, and receiving any type of drug and psychotherapy treatment during the intervention period by mothers and students. To collect data, the Academic Emotions Questionnaire (Pekran et al., 2002) and the Teacher Observation of Classroom Adaptation Scale-Revised (TOCA-R) (Christian et al., 2009) were used. The parenting management training program was implemented for nine 1.5-h weekly sessions for one experimental group, and the family education program was implemented for nine 1.5-h weekly sessions for the other experimental group. For the control group, no training was provided in this field. To analyze the data, descriptive statistics indicators (mean and standard deviation) were used. Regarding the inferential statistics section, data analysis was done using analysis of variance, Kruskal-Wallis test, analysis of covariance and Bonferroni's post hoc test in SPSS version 22 software. A significance level of 0.05 was considered for all tests.

Results: The covariance analysis confirmed the effect of parenting management training and family training on improving students' negative emotions ($p < 0.001$) and destructive behaviors ($p = 0.001$). The Bonferroni post hoc test showed that parenting management training was a more effective method in improving negative emotions ($p = 0.016$) and destructive behaviors of students ($p = 0.047$) compared to family training.

Conclusion: Based on the findings of the research, parenting management training has a greater effect on reducing negative emotions and destructive behaviors of students compared to family training.

Keywords: Parent management training, School-Based family training, Negative emotions, Maladaptive behaviors, Students.

مقایسه اثربخشی آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان دختر پایه سوم

مرضیه منظمی^۱، *منصور بیرامی^{۲،۳}، تورج هاشمی نصرت‌آباد^{۲،۳}، سمیه تکلوی^۴

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛

۳. استاد، گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران؛

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: M.Bayrami@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۵ مرداد ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴ مهر ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: براساس پژوهش‌های قبلی، مداخلات روان‌شناختی متعددی بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان مؤثر است. در این راستا، هدف این مطالعه، مقایسه اثربخشی آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان دختر پایه سوم بود.

روش‌بررسی: روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با دو گروه آزمایش و یک گروه گواه بود. جامعه آماری را تمامی مادران و فرزندان دختر مشغول به تحصیل در پایه سوم مقطع ابتدایی و دارای مشکلات رفتاری در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهر تبریز تشکیل دادند. تعداد شصت نفر از دانش‌آموزان واجد شرایط و داوطلب به‌عنوان نمونه پژوهشی به‌شیوه نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند و به‌روش تصادفی ساده در دو گروه مداخله‌ای آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده و یک گروه گواه (سه گروه بیست‌نفره) قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه هیجان‌های تحصیلی (پکران و همکاران، ۲۰۰۲) و مقیاس تجدیدنظرشده مشاهده معلم از رفتار انطباقی در کلاس (کریستین و همکاران، ۲۰۰۹) استفاده شد. برنامه آموزش مدیریت والدینی به مدت نه جلسه یک‌و نیم‌ساعته به‌صورت هفتگی برای یک گروه آزمایش و برنامه آموزش خانواده به مدت نه جلسه یک‌و نیم‌ساعته به‌صورت هفتگی برای گروه آزمایش دیگر اجرا شد. برای گروه گواه هیچ آموزشی در این زمینه ارائه نشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس، آزمون کروسکال-والیس، روش تحلیل کوواریانس و آزمون تعقیبی بونفرونی در نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ صورت گرفت. سطح معناداری برای همه آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، شیوه‌های آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی ($p < ۰/۰۰۱$) و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان ($p = ۰/۰۰۱$) در گروه‌های آزمایش مؤثر بود؛ همچنین آموزش مدیریت والدینی در مقایسه با آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی ($p = ۰/۰۱۶$) و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان ($p = ۰/۰۴۷$)، روش مؤثرتری بود.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که آموزش مدیریت والدینی در مقایسه با آموزش خانواده در کاهش هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان تأثیر بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش مدیریت والدینی، آموزش خانواده مبتنی بر مدرسه، هیجان‌های منفی، رفتارهای مخرب، دانش‌آموز.

دوران تحصیل و درس خواندن از مراحل مهم‌تر زندگی فرد است که در آموزش تربیت و یادگیری بهتر و ثمربخش و موفقیت‌آمیز فرد اثر می‌گذارد. این مرحله باعث می‌شود لیاقت‌ها و توانایی‌ها به ثمر بنشینند و نتایج و پیشرفت‌های علمی بسیار زیادی حاصل شود. چه‌بسا در زندگی روزانه تحصیل و درس خواندن، دانش‌آموزان با انواع مشکلات و چالش‌ها، موانع و فشارهای خاص زیاد این دوره (برای مثال افت نمرات، سطح بالای استرس، اعتمادبه‌نفس ضعیف، کاهش انگیزش و همکاری) روبرو می‌شوند (۱).

هیجان‌های مثبت و منفی، از شاخه‌ها و عناصر ساختار روانی هستند که سلامت روانی را تحت‌تأثیر بیشتر خود قرار می‌دهند. هیجان‌های مثبت، اظهارکننده معیار و ملاک شور و اشتیاق به مراحل زندگی و احساس فاعل بودن و هشیاری افراد است. دربرابر، هیجان‌های منفی، یک بعد همه‌جانبه ناراحتی به‌صورت درونی اشتغال ناخوشایند را علامت می‌دهد و فعلیت‌های ناخوشایندی را مثل ناراحتی و خشم، نفرت، بیزاری، گناه، ترس و عصبانیت شامل می‌شود (۲). مشکلات رفتاری دوران کودکی از قبیل پرخاشگری^۱، لجبازی^۲، کج‌خلقی^۳، گستاخی^۴، مقابله‌جویی^۵ و نافرمانی^۶ معمولاً در سنین پیش از دبستان رایج است (۳). پژوهشگران دریافتند که میان مشکلات رفتاری کودکان و رفتارهای والدینی منفی رابطه مستقیم وجود دارد. این در حالی است که رفتارهای والدینی مثبت موجب کاهش مشکلات رفتاری می‌شود (۳-۵). آمارها نشان می‌دهد، اختلال‌های رفتاری^۷ در بین ۱۰ تا ۱۶ درصد از کودکان و نوجوانان مدرسه‌ای شایع است (۵). در ایران میزان شیوع اختلال‌های رفتاری بین دانش‌آموزان ابتدایی ۱۸/۴ درصد گزارش شده است (۶).

ارائه مداخلات روان‌شناختی^۸ به‌منظور مدیریت هیجان‌ها^۹، تقویت هیجان‌ها مثبت و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه^{۱۰} که موجب آسیب به خود و دیگران می‌شود، ضرورت دارد. یکی از مداخلات مؤثر در این زمینه، برنامه آموزش مدیریت والدین^{۱۱} است. در این نوع برنامه، برنامه اصلاح رفتار کودک در محیط طبیعی منزل توسط والدین و به‌ویژه مادر انجام می‌شود که ارتباط بیشتری با کودک دارد. برنامه آموزش مدیریت والدین نوعی روان‌درمانگری کودکان است که با تغییر رفتار شناختی عاطفی والدین در رفتار کودکان نیز تغییر متقابل ایجاد می‌کند (۷).

ازسوی دیگر، آموزش خانواده مبتنی بر مدرسه^{۱۲}، الگوی آموزشی خانواده‌محور است که با سفارش بسیار زیاد بر مؤثر بودن نقش افراد و دیگر اعضای خانواده در سه زمینه انگیزش، روان‌شناختی (خودباوری، خودکنترلی، خودکارآمدی) و خصوصیات خود مشکل (دانش و آگاهی، نگرش و دیدگاه، تهدید درک‌شده) نقشه‌ریزی شده است. این

الگو حاصل تحقیق کیفی بوده که پس از طی مراحل تشکیل مفاهیم، توسعه مفاهیم، مشخص کردن فرایند روانی اجتماعی مسئله و استنتاج مرکزی (توانمندسازی خانواده‌محور)، مراحل ایجاد الگوی کاربردی را طی کرده است (۸).

نتایج پژوهش یوسفی نمینی و همکاران درباره مشکلات رفتاری کودکان مشخص کرد، بین گروه آزمایش و گروه گواه در سستی‌ها و مشکلات رفتاری کودکان، در هنگام اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود داشت. به این صورت که در گروه آزمایش، سستی‌ها و مشکلات رفتاری کودکان کاهش معناداری نشان داد و این کاهش در مدت زمان طولانی ثابت و پابرجا بود (۹). زارع‌زاده با مطالعه اثربخشی آموزش مدیریت والدین بر کاهش نشانه‌های برونی‌شده در دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری ۱ تا ۶ سال دریافت، رفتارها به‌صورت برونی‌شده در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه در پایان طرح کم شد و کاهش معناداری یافت؛ همچنین تدریس و مشاوره آموزش مدیریت والدین باعث کمترشدن و کاهش علائم اختلال و بهترشدن ارتباط والدین و کودک شد و از لحاظ آماری معنادار بود. نتایج پژوهش زارع‌زاده نشان داد، راه و روش بالینی مهم‌تر در زمینه پیشگیری و درمان مشکلات و اختلالات رفتاری برونی‌سازی‌شدن کودکان در شرایط و محیط بالینی و رفتار، توسط والدین و مربیان صورت می‌گیرد (۱۰). بهرامی و همکاران با بررسی اثربخشی برنامه ضدقلدری آموزش مدیریت والدین بر کاهش قربانی‌شدن و بهبود تنظیم شناختی هیجان^{۱۳} دانش‌آموزان نشان دادند، بین میانگین نمرات گروه آزمایش و گروه گواه در پس‌آزمون در گزینه‌های اصلی قربانی‌شدن و تنظیم شناختی هیجان تفاوت چشمگیری وجود داشت؛ همچنین طرح‌ها و برنامه‌های ضدقلدری آموزش مدیریت والدین بر کم‌شدن و کاهش قربانی‌شدن و بهترشدن راهبردهای تنظیم شناختی هیجان دانش‌آموزان تأثیر معناداری داشت. این راهکار نشان داد، طرح و برنامه ضدقلدری آموزش مدیریت والدین در کمترشدن و بهبود و ترمیم تنظیم شناختی هیجان دانش‌آموزان از اثربخشی لازم برخوردار است (۱۱)؛ همچنین کرونیس و همکاران در پژوهشی، سازوکار اثربخشی طرح‌های آموزش گروهی والدین را این‌گونه شرح دادند که پیامد این آموزش، بهبود عملکرد والدین، بهبود ابعاد عملکرد خانواده، کاهش استرس و افسردگی والدین و کاهش مشکلات رفتاری (ازجمله بیش‌فعالی، تکانشگری و نافرمانی مقابله‌ای) کودکان است (۱۲).

مرور ادبیات نشان داد، بررسی اثربخشی آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان دختر، امری مهم و ضروری به‌شمار می‌رود؛ چون مؤلفه تنظیم هیجان جزو رفتارهای روان‌شناختی مهم ولی مغفول در این حوزه است؛ بنابراین با اجرای تحقیق حاضر علاوه بر کمک به رشد مبانی

8. Psychological interventions

9. Emotion management

10. Aggressive behaviors

11. Parent Management Training (PMT)

12. School-Based Family Training

13. Cognitive regulation of emotion

1. Aggression

2. Stubborn

3. Tantrum

4. Impulsivity

5. Defiance

6. Noncompliance

7. Behavior disorders

نظری این مؤلفه و تعیین میزان اثربخشی آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده مبتنی بر مدرسه بر آن، سعی شده است تا بر لزوم گسترش این نوع از آموزش‌ها در بین مدارس و فرهنگ‌سازی برای عملی و اجرایی کردن آن تأکید شود. باتوجه به خلأ پژوهشی و یافته‌های بررسی‌شده پیشین در این پژوهش، هدف تحقیق حاضر، مقایسه اثربخشی آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع ابتدایی بود.

۲ روش بررسی

روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و یک گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی مادران و فرزندان دختر مشغول به تحصیل در پایه سوم و دارای مشکلات رفتاری در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در مقطع ابتدایی شهر تبریز تشکیل دادند. در روش‌های آزمایشی حداقل پانزده نفر برای هر گروه توصیه شده است (۱۳)؛ بنابراین با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، از بین کل دانش‌آموزان واجد شرایط و داوطلب تعداد شصت نفر (سه گروه بیست‌نفره) به‌شیوه نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند.

ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش حاضر عبارت بود از: کسب نمره بیشتر از ۲۵۰ در پرسش‌نامه هیجان‌های تحصیلی^۱ (۱۴) توسط دانش‌آموزان؛ کسب نمره بیشتر از ۶۰ در مقیاس تجدیدنظرشده مشاهده معلم از رفتار انطباقی در کلاس^۲ (۱۵)؛ محدوده سنی ۱۱ تا ۷ سال برای دانش‌آموزان؛ میزان تحصیلات مادر (حداقل سیکل)؛ رضایت آزمودنی برای شرکت در پژوهش؛ اخذ رضایت‌نامه کتبی. معیارهای خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش، غیبت داشتن والدین بیش از دو جلسه در جلسات آموزشی، دریافت هر نوع آموزش دیگر توسط مادران در دوره مداخله، دریافت هر نوع درمان دارویی و روان‌درمانی توسط مادران و دانش‌آموزان در دوره مداخله بود. لازم به ذکر است، برای رعایت اصل اخلاق در پژوهش، اصل رازداری و محرمانه بودن اطلاعات شرکت‌کنندگان رعایت شد.

پس از گرفتن معرفی‌نامه از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل و مجوز از سازمان آموزش و پرورش شهر تبریز و توضیح هدف پژوهش و ترغیب مسئولان برای همکاری، چند مدرسه ابتدایی به‌صورت در دسترس انتخاب شد. سپس به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، اطلاعات کامل درباره نحوه اجرا و مراحل تحقیق در اختیار والدین و مسئولان مرکز آموزشی قرار گرفت. رضایت‌نامه کتبی از والدین مشارکت‌کننده در پژوهش گرفته شد و به آن‌ها درخصوص محرمانه ماندن اطلاعات اطمینان داده شد. سپس تمامی دانش‌آموزان در دسترس جامعه آماری با استفاده از دو پرسش‌نامه به‌کاررفته در این تحقیق ارزیابی شدند و نمونه آماری باتوجه به معیارهای ورود و خروج انتخاب شد. درخصوص اهمیت پاسخ صادقانه به پرسش‌نامه، توضیحات و راهنمایی‌های لازم ارائه شد. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها،

مادران به‌طور تصادفی در گروه‌های آزمایش و گروه گواه گمارده شدند. در ادامه هر دو گروه آزمایش طی دو ماه و در نه جلسه یک‌و نیم‌ساعته (هفته‌ای یک جلسه) در برنامه آموزش مدیریت والدینی و نه جلسه یک‌و نیم ساعته (هفته‌ای یک جلسه) در برنامه آموزش خانواده/مدرسه‌محور شرکت کردند. برای گروه گواه هیچ آموزشی در این زمینه ارائه نشد. در پایان جلسات به‌طور مجدد تکمیل پرسش‌نامه‌های پژوهش توسط تمامی مادران گروه‌های آزمایش و گواه انجام گرفت. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، چهار جلسه توجیهی درخصوص آموزش‌های مذکور برای والدین گروه گواه برگزار شد.

در این پژوهش ابزار و جلسات درمانی زیر به‌کار رفت.

– پرسش‌نامه هیجان‌های تحصیلی: پکران و همکاران در سال ۲۰۰۲ این پرسش‌نامه را با هدف ارزیابی هیجان‌های تحصیلی از زیرمقیاس‌های مختلف (لذت از کلاس درس، امیدواری در کلاس، غرور در کلاس، خشم در کلاس، اضطراب مربوط به کلاس، شرم نسبت به کلاس، ناامیدی مربوط به کلاس، خستگی نسبت به کلاس، لذت از یادگیری، امید به یادگیری، غرور مربوط به یادگیری، خشم نسبت به یادگیری، اضطراب نسبت به یادگیری، شرم مربوط به یادگیری، ناامیدی نسبت به یادگیری، خستگی از یادگیری) ساختند (۱۴). این پرسش‌نامه از نوع خودگزارشی و مدادکاغذی است که هیجان‌ات تحصیلی مثبت و منفی را می‌سنجد و ۱۵۵ سؤال دارد. در این پرسش‌نامه سؤال‌ها در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) رتبه‌بندی یا درجه‌بندی می‌شود. حداقل امتیاز ممکن ۱۵۵ و حداکثر ۷۷۵ است (۱۶). پکران و همکاران مشخص کردند، آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه از ۰/۷۵ تا ۰/۹۵ است که پایایی پذیرفتنی این ابزار را نشان می‌دهد. همچنین پکران و همکاران روایی محتوایی^۳ پرسش‌نامه را با مراجعه به نظر برخی متخصصان و اساتید تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به‌دست آوردند ($CVI=0/83$) (۱۷). در پژوهش کدیور و همکاران، برای بررسی پایایی و روایی این پرسش‌نامه، از ضریب آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج پژوهش آن‌ها همسو با نتایج پژوهش پکران نشان داد، پرسش‌نامه، همسانی درونی پذیرفتنی دارد و ضرایب آلفای کرونباخ در زیرمقیاس‌های آن بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۶ است. همچنین نتایج تحلیل عاملی تأییدی مشخص کرد، ساختار پرسش‌نامه برازش پذیرفتنی با داده‌ها دارد و همه شاخص‌های نکویی برازش، مدل را تأیید می‌کند ($TLI=0/99$, $IFI=0/99$, $NFI=0/98$, $CFI=0/99$, $\chi^2/df=1/04$, $RMSEA=0/01$)؛ بنابراین، پرسش‌نامه مذکور ابزار مناسبی برای تعیین هیجان‌های تحصیلی دانش‌آموزان است (۱۸).

– مقیاس تجدیدنظرشده مشاهده معلم از رفتار انطباقی در کلاس: این پرسش‌نامه توسط کوت و همکاران در سال ۲۰۰۹ ارائه شد (۱۵). این پرسش‌نامه رفتار انطباقی در کلاس را می‌سنجد و دارای ۲۱ سؤال است. روش نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت شش‌گزینه‌ای از هرگز=۱ تا همیشه=۶ متغیر است. برای کمک به همسانی، برخی از سؤال‌ها (۶، ۱۳، ۱۴) به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. حداقل

۳. Content validity index

۱. Achievement Emotions Questionnaire

۲. Teacher Observation of Classroom Adaptation Scale- Revised (TOCA-R)

نمره در پرسش نامه ۲۱ و حداکثر ۱۲۶ است. نمره بیشتر، منعکس کننده رفتار ناسازگارانه است. این پرسش نامه سه زیرمقیاس دارد: زیرمقیاس مشکلات توجه^۱ (بی توجهی) (سؤالات ۱، ۳، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۱)؛ زیرمقیاس رفتارهای مخرب^۲ (سؤالات ۴، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۰)؛ زیرمقیاس رفتار جامعه پسندانه^۳ (سؤالات ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۴، ۱۷، ۱۵). کوت و همکاران ضرایب پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۶، برای خرده مقیاس های مشکلات توجهی ۰/۹۶، رفتار مخرب ۰/۹۳ و رفتار جامعه پسندانه ۰/۹۲ برآورد کردند (۱۵). در پژوهش واحدی و همکاران به منظور بررسی ساختار عاملی (روایی سازه)، روایی همگرا و پایایی این پرسش نامه از تحلیل عاملی اکتشافی، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بررسی روایی همگرایی مقیاس رفتار انطباقی در کلاس به شیوه ضریب همبستگی با مقیاس رفتار مخرب بارکلی و مورفی، ارتباط مثبت معناداری را بین تک تک سه زیرمقیاس رفتار انطباقی در کلاس با خرده مقیاس های رفتار مخرب نشان داد ($p < 0.05$)؛ یعنی دانش آموزانی که در محیط های کلاسی، مشکلات پرخاشگری، بی توجهی و رفتار ناسازگارانه بیشتری داشتند، به نوعی درمقابل والدین نیز مقاومت منفی از خود نشان دادند. برای محاسبه روایی سازه، تحلیل عاملی به روش مؤلفه های اصلی با چرخش واریماکس، سه عامل پیشنهاد کرد که به ترتیب عامل های بی توجهی، پرخاشگری و رفتارهای جامعه پسندانه نام گرفتند. همسانی درونی مشخص کرد، این مقیاس از

پایایی پذیرفتنی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده مقیاس های آن در دامنه بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۰ قرار داشت؛ بنابراین چنین به نظر می رسد که نسخه تجدیدنظر شده مقیاس مشاهده معلم از رفتار انطباقی در کلاس برای اندازه گیری مشکلات رفتاری در موقعیت های آموزشی، کارایی مناسبی دارد و می توان آن را در موارد تشخیصی و درمانی به کار برد (۱۹).

– برنامه آموزش مدیریت والدینی کازدین^۴: این برنامه آموزشی به مدت نه جلسه به صورت هفتگی اجرا شد که گروه آزمایش برنامه آموزش مدیریت والدینی را دریافت کرد. تدوین محتوای جلسات براساس پروتکل آموزشی کازدین (۲۰۰۵) صورت گرفت. پروتکل آموزشی این پژوهش طی نه جلسه نود دقیقه ای برگرفته از کتاب راهنمای عملی درمان مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان: آموزش مدیریت والدین متعلق به آلن کازدین اجرا شد (۲۰). برای بررسی روایی محتوایی جلسات از نظر پنج استاد روان شناس با مدرک دکتری و حداقل پایه استادیاری و هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی استفاده شد و حاکی از روایی محتوایی مطلوب جلسات بود. در جدول ۱ جلسات و مراحل این برنامه آموزشی به طور خلاصه ارائه شده است. در هر یک از جلسات ابتدا بازبینی تکالیف هفته قبل انجام گرفت و از والدین خواسته شد تا در بحث مشارکت کنند. سپس تکالیف آینده مشخص شد و والدین به انجام تکلیف جلسه بعد تشویق شدند. در پایان هر جلسه جمع بندی از مطالب آن جلسه صورت گرفت.

جدول ۱. رئوس موضوعات آموزشی در جلسات نه گانه برنامه آموزش مدیریت والدینی

جلسه	شرح جلسه
اول	معارفه، بیان اهداف و منطق درمان، ترغیب شرکت کنندگان برای تداوم حضور در جلسه ها و آشنا کردن آن ها با هیجان های فرزندان
دوم	آگاه شدن درباره هیجان های مثبت و منفی، شناسایی علائم قابل تشخیص چهره ای و ژستی و کلامی
سوم	ارائه آموزش هایی در رابطه با پذیرش هیجان های مثبت و منفی براساس آموزش تنش زدایی تدریجی و مهارت های آرام سازی و پذیرش هیجان های خود
چهارم	آموزش مدیریت خشم و راهبردهای مقابله ای
پنجم	آموزش مهارت های ارتباطی، روابط بین فردی و ابراز وجود و همدلی با کودک
ششم	آموزش مدیریت هیجان ها، انتخاب منطقی ترین رفتار در زمان داشتن آن احساس
هفتم	آموزش کنترل هیجان ها، ارائه شیوه هایی به منظور تبدیل و تغییر هیجان های منفی به هیجان های خنثی یا مثبت
هشتم	آموزش ارزیابی مجدد هیجان ها، ابراز هیجان و مهارت های ارزیابی هیجان
نهم	جمع بندی جلسات آموزشی و رفع ابهام

– برنامه آموزش خانواده: این برنامه آموزشی به مدت نه جلسه به صورت هفتگی اجرا شد که گروه آزمایش دیگر، آن را دریافت کرد. تدوین محتوای جلسات براساس پروتکل آموزش خانواده متعلق به دریابک (۲۱) صورت گرفت. پروتکل آموزشی این پژوهش طی نه جلسه نود دقیقه ای برگرفته از کتاب اثربخشی برنامه های آموزش خانواده در برآوردن نیازهای آموزشی مدارس (۲۱) اجرا شد که محتوای آن توسط اساتید روان شناسی به تأیید رسید. در جدول ۲ جلسات و مراحل این برنامه آموزشی به طور خلاصه ارائه شده است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، شاخص های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) به کار رفت؛ در قسمت آمار استنباطی از روش تحلیل کوواریانس (و پیش فرض های آن ابتدا آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع پراکندگی داده ها، آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس ها و همسانی شیب خطوط رگرسیون) و آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد؛ همچنین برای مقایسه میانگین سنی و مدت زمان ازدواج سه گروه، آزمون تحلیل واریانس و برای مقایسه تحصیلات و تعداد فرزندان سه گروه مطالعه شده، آزمون کروسکال والیس، به کمک

4. Barkley & Murphy's Disruptive Behavior Rating Scale (DBRS)

5. Kazdin's Parent Management Training

1. Concentration problems

2. Disruptive behavior

3. Prosocial behavior

نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ به کار رفت. کمترین سطح معناداری در این پژوهش $\alpha=0/05$ در نظر گرفته شد.

جدول ۲. رئوس موضوعات آموزشی در جلسات نه گانه برنامه آموزش خانواده

جلسه	شرح جلسه
اول	خوشامدگویی و معارفه اعضا به یکدیگر، تبیین اهداف برگزاری جلسات برای اعضای گروه و بستن قرارداد گروهی، اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان و نقش والدین
دوم	تعریف فرزندپروری و آشنایی با آن، آشنایی با انواع شیوه های فرزندپروری و توضیح ویژگی های هریک از آنها
سوم	مرور مباحث جلسه قبل و پاسخگویی به سؤالات، بیان قوانین فرزندپروری، خطاهای اجتناب پذیر در فرزندپروری
چهارم	چگونگی پدر و مادری شایسته بودن، آشنایی با اصول صحیح فرزندپروری (مانند داشتن انتظار همکاری، برقراری ارتباط با کودک، شنونده شایسته با فرزندان، دارای انضباط معقول بودن و ثابت قدم بودن، توجه مثبت نامشروط به کودک داشتن و آموزش مهارت «نادیده گرفتن رفتارهای ناپسند کودک»
پنجم	مرور مباحث جلسه قبل و پاسخگویی به سؤالات، راه های افزایش رفتار خوب، پاداش های دوست داشتنی کودکان
ششم	چگونگی دادن دستورات مؤثر، روش های عمده برای متوقف کردن رفتار بد، مدیریت رفتار بد خارج از خانه، استفاده از امتیازات، ژتون و قرارداد
هفتم	مرور مباحث جلسه قبل و پاسخگویی به سؤالات، کمک به کودک برای بیان احساسات مدیریت برخورد با رفتار پرخاشگرانه و خطرناک
هشتم	بیان لزوم تلفیق مهارت های آموزش داده شده به منظور مدیریت رفتارهای کودک و نیز چگونگی تحلیل و مواجهه با موقعیت های مشکل زا نظیر قشقرق به پا کردن، پرخاشگری، گوشه گیری، مشکل در لباس پوشیدن و غذا خوردن، دروغ گویی و جمع بندی و نتیجه گیری
نهم	جمع بندی جلسات آموزشی و رفع ابهام و پاسخ به سؤالات آزمودنی ها

۳ یافته ها

کروسکال والیس مشخص کرد، تفاوت معناداری میان سه گروه از نظر میزان تحصیلات ($p=0/934$) و تعداد فرزندان ($p=0/932$) و وضعیت اجتماعی اقتصادی ($p=0/640$) مشاهده نشد و همگنی میان گروه ها محقق شد.

اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به گروه های آزمایش و گواه در جدول ۳ گزارش شده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد، بین آزمودنی های سه گروه از نظر سن ($p=0/916$) و مدت زمان ازدواج ($p=0/801$) تفاوت معناداری وجود نداشت و آزمودنی های سه گروه از نظر دو متغیر سن و مدت زمان ازدواج یکسان بودند. نتایج آزمون

جدول ۳. ویژگی های جمعیت شناختی در بین سه گروه مطالعه شده

متغیر	آموزش مدیریت والدینی	آموزش خانواده	گواه
سن (سال)	۳۵/۸۵	۵/۹۴	۵/۷۷
مدت زمان ازدواج (سال)	۱۱/۵۰	۲/۴۸	۲/۴۵
میانگین $\pm$ انحراف معیار	۳۵/۸۵	۳۶/۰۵	۳۵/۳۰
میانگین $\pm$ انحراف معیار	۲/۹۴	۱۰/۹۵	۲/۴۵
میزان تحصیلات	۷ (۳۵)	۵ (۲۵)	۱۰ (۵۰)
تعداد (درصد)	۱۰ (۵۰)	۱۳ (۶۵)	۳ (۱۵)
تعداد (درصد)	۳ (۱۵)	۲ (۱۰)	۱۳ (۶۵)
تعداد فرزندان	۱۲ (۶۰)	۱۳ (۶۵)	۷ (۳۵)
تعداد (درصد)	۸ (۴۰)	۷ (۳۵)	۵ (۲۵)
وضعیت اقتصادی	۴ (۲۰)	۳ (۱۵)	۱۰ (۵۰)
تعداد (درصد)	۱۱ (۵۵)	۱۰ (۵۰)	۵ (۲۵)
تعداد (درصد)	۵ (۲۵)	۷ (۳۵)	۵ (۲۵)

استفاده شد. پس از تعدیل اثر پیش آزمون، وجود اختلاف معنادار بین میانگین نمرات گروه های آزمایش و گروه گواه در پس آزمون مشاهده شد. با توجه به مقدار احتمال که نتیجه تحلیل کوواریانس برای مقیاس های هیجان های منفی ($p<0/001$) و رفتارهای مخرب ($p=0/001$) معنادار بود، جدول ۴ نشان می دهد که در شاخص کل هیجان های منفی و رفتارهای مخرب تفاوت معناداری بین گروه های آزمایش و گروه گواه وجود داشت. به بیان دیگر، آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده توانست این شاخص ها را بهبود بخشد. همچنین مقدار مجذور اتا نشان دهنده آن بود که ۳۹/۷ درصد و ۳۱/۶ درصد (مندرج در ستون) از تغییرات نمرات گروه ها در هریک از

به منظور بررسی استنباطی داده ها، روش تحلیل کوواریانس به کار رفت. قبل از انجام تحلیل کوواریانس، برای رعایت پیش فرض های آن از آزمون های شاپیرو-ویلک و لون استفاده شد. فرض نرمال بودن داده ها در مرحله پس آزمون برای هر دو گروه آزمایش و گروه گواه رد نشد؛ به عبارتی توزیع داده ها نرمال بود ($p>0/05$). براساس آزمون لون و معنادار نبودن آن، شرط برابری واریانس های بین گروهی رعایت شد ($p>0/05$). معنادار نبودن بتای اثر متقابل پیش آزمون هریک از متغیرها و گروه در مدل رگرسیون خطی حکایت از همگنی شیب خطوط رگرسیون داشت ($p>0/05$).

برای بررسی الگوهای تفاوت از تحلیل کوواریانس به شرح جدول ۴

متغیرهای به‌ترتیب هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب (تفاوت گروه‌ها در پس‌آزمون) ناشی از اجرای متغیر مستقل (آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده) بوده است. به عبارت دیگر مداخله‌های آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر متغیرهای وابسته اثر

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه‌های مطالعه‌شده به همراه نتایج تحلیل کوواریانس با تعدیل اثر پیش‌آزمون

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسه پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p
هیجان‌های منفی	آموزش مدیریت والدینی	۲۷۶/۱۰	۱۲/۲۴۲	۲۵۶/۶۵	۹/۳۰۳	۱۸/۴۶	<۰/۰۰۱
	آموزش خانواده	۲۷۷/۳۰	۱۱/۳۸۸	۲۶۵/۸۰	۱۰/۷۱۴		
	گواه	۲۷۵/۶۰	۱۱/۴۰۳	۲۷۴/۹۰	۱۰/۵۳۷		
رفتارهای مخرب	آموزش مدیریت والدینی	۷۴/۱۵	۸/۱۲۵	۶۱/۱۰	۷/۴۲۶	۱۲/۹۱	۰/۰۰۱
	آموزش خانواده	۷۳/۳۵	۷/۱۳۲	۶۶/۳۰	۸/۵۷۸		
	گواه	۷۵/۱۵	۶/۹۰۷	۷۳/۱۵	۷/۱۵۴		

جدول ۵. نتایج آزمون بونفرونی برای مقایسه میانگین متغیرهای وابسته بین سه گروه

متغیر	گروه	گروه	اختلاف میانگین	خطای معیار	مقدار p
هیجان‌های منفی	آموزش مدیریت والدینی	آموزش خانواده	-۸/۷۶۷	۳/۰۳	۰/۰۱۶
	آموزش مدیریت والدینی	گواه	-۱۸/۴۱۰	۳/۰۳	۰/۰۰۱
	آموزش خانواده	گواه	-۹/۶۴۳	۳/۰۳	۰/۰۰۷
رفتارهای مخرب	آموزش مدیریت والدینی	آموزش خانواده	-۵/۴۱۱	۲/۲۵	۰/۰۴۷
	آموزش مدیریت والدینی	گواه	-۱۱/۴۴۹	۲/۲۵	۰/۰۰۱
	آموزش خانواده	گواه	-۶/۰۳۸	۲/۲۴	۰/۰۳۰

داشتن به خود است و به دلیل تجارب محیطی مثبت به‌خصوص تجارب خانوادگی است که در شرایط استرس‌زا برای تنظیم هیجانی به کمک‌شان می‌آید (۲۳)؛ همچنین در تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، الواس در مطالعه خود نشان داد، خانواده با هر شیوه فرزندپروری به سه روش بر روند رشد تنظیم هیجان فرزندان تأثیر می‌گذارد: روش اول: بچه‌ها از طریق یادگیری مشاهده‌ای، یعنی الگوبرداری از منابع اجتماعی و خانوادگی، تنظیم هیجان را می‌آموزند؛ روش دوم: رفتارهای والدینی که مربوط به هیجان، تربیت هیجانی و مدیریت هیجانی است، رشد تنظیم هیجانی کودکان را متأثر می‌سازد؛ روش سوم: تنظیم هیجان کودک از خلق هیجانی خانواده در شیوه‌های فرزندپروری، روابط خویشاوندی و ارتباطات اعضای خانواده و روابط زوجی والدین تأثیر می‌گیرد (۲۴). مطالعه درسیکول و پینتا نشان داد، والدین بر تنظیم هیجان فرزندان خود از طریق نشان دادن واکنش‌های خاص درقبال هیجان‌های مثبت و منفی فرزندان تأثیر می‌گذارند (۴). تحلیل‌های طولانی‌مدت پژوهشگران مشخص کرد، تعامل منفی والدین با هیجان‌های فرزندان به عملکرد ضعیف اجتماعی و مشکلات تنظیم هیجان آن‌ها منجر خواهد شد. علاوه بر این رابطه میان مشکلات رفتاری و تنبیه‌گری والدین یا تعامل‌های آشفته آن‌ها سبب واکنش‌های معیوب در فرزندان می‌شود (۲۵). در تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت، پس از آموزش برنامه مدیریت والدین، فرزندان آن‌ها با کاهش میزان استفاده از تنظیم شناختی منفی هیجان موجب تقلیل میزان مشکلات هیجانی

برای مقایسه اثربخشی دو روش آموزشی بر هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان، از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد. براساس جدول ۵ مقایسه میانگین‌ها مشخص می‌کند، بین اثربخشی روش آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده مبتنی بر مدرسه، بر کاهش هیجان‌های منفی ($p=0/016$) و کاهش رفتارهای مخرب ($p=0/047$) دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر، تأثیر روش آموزش مدیریت والدینی بر کاهش هیجان‌های منفی و کاهش رفتارهای مخرب دانش‌آموزان به‌طور معناداری بیشتر از آموزش خانواده مبتنی بر مدرسه و گروه بدون مداخله بوده است.

۴ بحث

هدف این مطالعه، مقایسه اثربخشی آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان دختر پایه سوم بود. در راستای یافته اول، مبنی بر اینکه آموزش مدیریت رفتاری والدین بیشتر از آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی دانش‌آموزان تأثیر داشت، همسو با ادبیات نظری و پژوهشی حوزه تنظیم هیجان می‌توان گفت که رابطه روشی بین تجربه حوادث منفی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و آسیب‌های روانی و مشکلات هیجانی وجود دارد (۲۲). یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج پژوهش یبارا و میتچل همسویی دارد. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند، یکی از عوامل مؤثر بر کاهش مشکلات هیجانی دانش‌آموزان، احساس مثبت

^۱. Bonferroni Test

دیدگاه بهداشت روانی محسوب می‌شود و از روش‌های بسیار مناسب پیشگیری از اختلالات روانی کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌رود و سرمایه‌گذاری در آن از جنبه‌های گوناگون، مقرون‌به‌صرفه است؛ زیرا آنچه جامعه و دولت برای بزهکاری، اعتیاد (۷)، افت تحصیلی، افسردگی، خودکشی و نظایر آن می‌پردازد، بسیار سنگین‌تر است؛ در صورتی‌که اگر آموزش مدیریت والدین براساس اصول علمی برنامه‌ریزی شود، تأثیر چشمگیری در پیشگیری از این‌گونه مشکلات خواهد داشت (۲۷).

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که آموزش مدیریت والدینی و آموزش خانواده بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان اثربخش‌اند؛ اما در مقام مقایسه بین دو مداخله، اثربخشی آموزش مدیریت والدینی بر بهبود هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان بیشتر از اثربخشی آموزش خانواده است.

۶ تشکر و قدردانی

گروه پژوهش بر خود لازم می‌داند از تمامی عزیزانی که به هر نحو در اجرای این پژوهش یاری کردند، تشکر و قدردانی کند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

از شرکت‌کننده‌های پژوهش حاضر دست‌نوشته‌ای شامل بیانیه‌ای درباره تأیید و رضایت اخلاقی دریافت شد. همچنین پروتکل تحقیق در کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل به تأیید رسید.

رضایت برای انتشار

داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش حاضر به هیچ سازمان یا ارگانی تحویل داده نمی‌شود؛ اما به شکل خام در اختیار محقق است تا مراکز مربوط رسمی (مثل دانشگاه) بتوانند برای صحت‌سنجی در صورت لزوم از آن استفاده کنند.

در دسترس بودن داده‌ها و مواد

داده‌های پشتیبان نتایج گزارش شده در مقاله که در طول مطالعه تحلیل شدند، به صورت فایل ورودی و اکسل داده در فضای ذخیره‌ای هارددرایو (به دلیل جلوگیری از احتمال هرگونه هک شدن و همچنین حفظ و دسترسی به داده‌ها) نزد نویسنده مسئول حفظ خواهند شد.

تضاد منافع

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل است. نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

منابع مالی

پژوهش حاضر تحت حمایت و کمک مالی هیچ نهاد یا سازمانی نبوده است.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان سهم یکسانی در تهیه پیش‌نویس مقاله و بازبینی و اصلاح مقاله حاضر داشتند.

خود می‌شوند. والدینی که در فرایند والدگری و ارتباط با فرزند به تبادل اطلاعات می‌پردازند و در جریان امور روزمره فرزند خود هستند و در ارتباط با مسائل فرزند در حیطه اتفاقاتی خارج از محیط منزل روی می‌دهد، رویکردی مثبت و حمایت‌کننده دارند، با فراهم کردن شرایط پذیرش نیازها، احساسات و افکار فرزندان در موقعیت‌های استرس‌زا یا تجربه‌های سخت، زمینه را برای استفاده از راهبردهای شناختی مثبت تنظیم هیجان، مانند تمرکز مجدد مثبت و ارزیابی مجدد مثبت و برنامه‌ریزی مهیا می‌سازند (۷). در واقع والدینی که روش‌های مدیریت رفتاری را می‌آموزند، باعث بهبود و توسعه راهبردهای تنظیم شناختی مثبت هیجان در فرزندان خود می‌شوند و به واسطه این اتفاق، فرزندان نیز می‌آموزند در موقعیت‌های مربوط به وقایع منفی، به جای گرفتن هریک از نقش‌های منفی، راهکارها و مقابله‌های مؤثری را در پیش بگیرند (۱۱).

در تبیین یافته دوم مبنی بر اینکه تأثیر روش آموزش مدیریت والدینی بر کاهش رفتارهای مخرب دانش‌آموزان به‌طور معناداری بیشتر از آموزش خانواده مبتنی بر مدرسه بود، می‌توان گفت، هرگونه اشکال و نقص در مدیریت هیجان‌ها فرد را در برابر اختلال‌های روانی چون اضطراب و افسردگی آسیب‌پذیر می‌سازد. والدین در برنامه مدیریت هیجان‌ها فهم بهتری درباره مشکلات کودک خود پیدا کردند و راهبردهای مقابله‌ای را آموزش دیدند، توانمندتر شدند تا با رفتارهای مخرب فرزندشان مقابله کرده و آن را کنترل کنند (۳). همچنین می‌توان بیان کرد، والدین به عنوان افراد نزدیک‌تر به کودک سهم بیشتری را در تغییرات رفتاری او ایفا می‌کنند. آموزش مدیریت والدین با کاهش فشار و تنش موجود و بهبود روابط والد-کودک این امکان را به والدین می‌دهد که نیازهای کودک خود را بهتر درک کنند (۷). یکی از تبیین‌های احتمالی درباره یافته‌های پژوهش حاضر، مبتنی بر ویژگی‌های ذاتی این روش آموزشی است. برنامه آموزشی والدین به روش‌هایی اشاره دارد که به اولیا آموزش داده می‌شود با کودکان خود به‌طور صحیح رفتار کنند. در این روش ابتدا والدین درباره شیوع و سبب‌شناسی اختلال کودک خود آگاهی می‌یابند. چنین اطلاعاتی کمک می‌کند تا نگرانی‌های والدین درباره مشکلات کودکان کاهش یابد. در مرحله بعد، والدین با برنامه آموزش مدیریت والدین آشنا می‌شوند. سپس والدین به اهمیت ارتباط والد-فرزند و اصول مهار رفتار و نقش عوامل تنیدگی‌زای خانواده در تداوم مشکلات کودک آگاهی می‌یابند (۴). برنامه آموزش مدیریت والدین پنج مؤلفه مهم مهارتی را در بهبود این وضعیت اعمال می‌کند که عبارت است از: افزایش تعامل مثبت بین کودک-والد؛ افزایش رفتارهای مثبت خاص کودک از طریق به‌کار بستن شیوه‌های تقویتی از سوی والدین؛ کاهش رفتار نافرمانی خفیف با استفاده از شیوه اغماض والدین؛ ارائه فرمان‌های روشن و هماهنگ؛ استفاده از پیامدها از سوی والدین برای کاهش رفتار نافرمانی و نامناسب کودک (۲۶).

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری کرد، روش برنامه آموزشی والدین به دلیل اصلاحات اساسی که در بازخورد والدین در قبال صلاحیت خود ایجاد می‌کند، روش مؤثرتری در کاهش هیجان‌های منفی و رفتارهای مخرب دانش‌آموزان است. همچنین آموزش مدیریت والدین رویکرد مهمی از

References

1. Salemi Khameneh A, Ghorbani S, Motahedi A. The effectiveness of dialectical behavior therapy on emotion regulation, positive and negative affect, aggressive and self-injury behavior of 13–16 year old female students. *Journal of Medical Council of Iran*. 2018;36(4):213–20. [Persian] <http://jmciri.ir/article-1-2865-en.html>
2. Spindler H, Denollet J, Kruse C, Pedersen SS. Positive affect and negative affect correlate differently with distress and health-related quality of life in patients with cardiac conditions: validation of the Danish Global Mood Scale. *J Psychosom Res*. 2009;67(1):57–65. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2008.11.003>
3. Hajigholami Yazdi A, Alagheband M. Effectiveness of parental skills training on worry, anxiety and self-efficacy beliefs of single-child and multi-child parents. *J Shahid Sadoughi Univ Med Sci*. 2013;21(2):136–47. [Persian] <http://jssu.ssu.ac.ir/article-1-2421-en.html>
4. Driscoll K, Pianta RC. Mothers' and fathers' perceptions of conflict and closeness in parent-child relationships during early childhood. *J Early Child Infant Psychol*. 2011;7:1–24.
5. Kauffman JM, Landrum TJ. Characteristics of emotional and behavioral disorders of children and youth with disabilities. 10th edition. Upper Saddle River, NJ: Merrill; 2013.
6. Gowdini R, Pourmohamdreza-Tajrishi M, Tahmasebi S, Biglarian A. Effect of emotion management training to mothers on the behavioral problems of offspring: parents' view. *J Rehabil*. 2017;18(1):13–24. [Persian] <http://dx.doi.org/10.21859/jrehab-180113>
7. Lane KL, Oakes WP, Menzies HM. Comprehensive, integrated, three-tiered models of prevention: why does my school—and district—need an integrated approach to meet students' academic, behavioral, and social needs? *Prev Sch Fail*. 2014;58(3):121–8. <https://doi.org/10.1080/1045988X.2014.893977>
8. Calderon R, Greenberg MT. Social and emotional development of deaf children: family, school, and program effects. In: Marschark M, Spencer PE; editors. *The Oxford handbook of deaf studies, language and education volume 1*. Second edition. Oxford: Oxford University Press; 2011. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199750986.013.0014>
9. Yousefi-Namini AS, Ghobari-Bonab B, Hassanzadeh S, Shokoohi-Yekta M. Effectiveness of behavior management program for mothers on reduction of deaf children behavioral problems. *Journal of Clinical Psychology*. 2015;6(4):71–83. [Persian] https://jcp.semnan.ac.ir/article_2184.html?lang=en
10. Zarezadeh Sh. Asar bakhshiye amoozesh modiriyat valedeyn (PMT) bar kaheshe neshane haye borouni sazi shode va moshkelat raftari koodakan 6ta11 sale shahre Bushehr [The effectiveness of parent management training (PMT) on reducing externalizing symptoms and behavioral problems of children aged 6 to 11 years old in Bushehr] [Thesis for MSc]. [Bushehr, Iran]: Payame Noor University of Bushehr; 2018. [Persian]
11. Bahrami M, Vahedi S, Adib Y, Gargari RB. Effectiveness of an antibullying parent management training on student's victimization and cognitive emotion regulation. *Journal of Research in Psychological Health*. 2018;12(2):68–85. [Persian]
12. Chronis AM, Chacko A, Fabiano GA, Wymbs BT, Pelham, Jr. WE. Enhancements to the behavioral parent training paradigm for families of children with ADHD: review and future directions. *Clin Child Fam Psychol Rev*. 2004;7(1):1–27. <https://doi.org/10.1023/b:ccfp.0000020190.60808.a4>
13. Delavar A. Educational and psychological research. Tehran: Virayesh Pub; 2020.
14. Pekrun R, Goetz T, Titz W, Perry RP. Academic emotions in students' self-regulated learning and achievement: a program of qualitative and quantitative research. *Educational Psychologist*. 2002;37(2):91–105. https://doi.org/10.1207/S15326985EP3702_4
15. Koth CW, Bradshaw CP, Leaf PJ. Teacher Observation of Classroom Adaptation—Checklist: development and factor structure. *Meas Eval Couns Dev*. 2009;42(1):15–30. <http://dx.doi.org/10.1177/0748175609333560>
16. Pekrun R, Götz T, Titz W, Perry RP. A social cognitive, control-value theory of achievement emotions: Social antecedents and achievement effects of students' domain-related emotions. In: 2002 Annual Meeting of the American Educational Research Association (AERA) [Internet]. 2002.
17. Pekrun R, Goetz T, Perry RP. Achievement Emotions Questionnaire (AEQ): user's manual. [Munich, Germany]: Department of Psychology, University of Munich; 2005.
18. Kadivar P, Farzad V, Kavousian J, Nikdel F. Validating the Pekruns Achievement Emotion Questionnaire. *Educational Innovations*. 2010;8(4):7–38. [Persian] http://noavaryedu.oerp.ir/article_78909.html?lang=en
19. Vahedi Sh, Smaeilpour Kh, Hajipour F. A psychometric evaluation and factor structure of revised version of teacher observation of Classroom Adaptation Scale. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2012;14(1):36–45. [Persian] https://jfmh.mums.ac.ir/article_931.html?lang=en
20. Kazdin AE. Parent management training: treatment for oppositional, aggressive, and antisocial behavior in children and adolescents. Oxford: Oxford University Press; 2005.
21. Daryabek Z. Asar bakhshiye barname haye amoozesh khanevade dar baravordan niyaz haye amoozeshi madares [The effectiveness of family education programs in meeting the educational needs of schools]. Qaemshar: Yasna Scientific Publication; 2015. [Persian]
22. Atik G, Guneri OY. California Bullying Victimization Scale: validity and reliability evidence for the Turkish middle school children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2012;46:1237–41. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.05.281>
23. Ybarra ML, Mitchell KJ. Online aggressor/targets, aggressors, and targets: a comparison of associated youth characteristics. *J Child Psychol & Psychiatry*. 2004;45(7):1308–16. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2004.00328.x>
24. Olweus D. Bully/victim problems among school children: basic facts and effects of aschool-based intervention program. In: Pepler DJ, Rubin KH; editors. *The development and treatment of childhood aggression*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum; 1991.
25. Eisenberg N, Fabes RA, Shepard SA, Guthrie IK, Murphy BC, Reiser M. Parental reactions to children's negative emotions: longitudinal relations to quality of children's social functioning. *Child Dev*. 1999;70(2):513–34. doi: [10.1111/1467-8624.00037](https://doi.org/10.1111/1467-8624.00037)

26. Danforth JS. Parent training for families of children with comorbid ADHD and ODD. *Int J Behav Consult Ther.* 2006;2(1):45–64.
27. Bayrami M, Abdollahi E, Hashemi Nosratabadi T. The effectiveness of parent management training on improvement of attention deficit hyperactivity disorder in children with epilepsy: Single subject study. *Razi Journal of Medical Sciences.* 2017;24(157):90–8. [Persian] <http://rjms.iums.ac.ir/article-1-4580-en.html>